

ضرب المثل های فارسی - پرتغالی

(شامل تمثیل های فارسی)



موسسه انتشارات دکتر اندیش

www.ketab.ir

عابدیان کاسگری، علی اکبر، ۱۳۳۷ -

ضرب‌المثل‌های فارسی - پرتغالی: (شامل تمثیل‌های فارسی)

تهران: نشر دگراندیشان، ۱۳۹۶

۴۰۰ ص.

۹۷۸-۶۰۰-۹۶۵۸۰-۷-۷

Persa-Portugues Proverbios (Contem Parabolas Persas)

کتابخانه

ضرب‌المثل‌های فارسی

Proverbs Persian

ضرب‌المثل‌های پرتغالی

Proverbs, Portuguese

شعر فارسی - مجموعه‌ها

Persian Poetry -- Collections

PIR۳۹۹۶ / ۴ ض ۱۶ ع ۱۳۹۶

۳۹۸/۹۴

۴۶۴۸۷۷۵

نویسنده:

عنوان:

موضوعات: نشر:

مشخصات ذخیره:

شابک:

وضعیت فهرست‌نویسی:

یادداشت:

یادداشت:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

رده‌بندی کنگره:

رده‌بندی دیویی:

شماره کتابشناسی ملی:



[telegram.me/degarandishanpublication](https://t.me/degarandishanpublication)



[instagram.com/degarandishanpublication](https://www.instagram.com/degarandishanpublication)



twitter.com/degarandishanpublication

www.degarandishan.com

ناشر: موسسه انتشارات دگراندیشان

تهران: صندوق پستی ۷۵/۵۷۱

ضرب‌المثل‌های فارسی - پرتغالی (شامل تمثیل‌های فارسی)

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: کهن

تایپ و ویراستاری: مروارید عابدیان کاسگری

سخن انجمن بین‌المللی پارمیولوژی

گفتارهای حکیمانه، تعبیر اصطلاحی، عبارات ضرب‌المثل و سایر قالب‌های فرهنگی مشخصاً انتقال موجز و کارآمد دانش، تعالیم یا اصولی هستند که متضمن همزیستی جامعه بشری است. امثال و حکم که عموماً مختصرند لیکن بر بنیاد تجربیات طولانی قرار دارند و نشانگر ویژگی‌ها و روحیات یک ملت به شمار می‌روند میراث بی‌بدیلی هستند. ریشه‌های امثال و حکم در طی زمان از دست رفته ولی نتایج آنها که در طول قرن‌ها متحول شده برای انطباق ما با شرایط موجود - که مهاجرت‌های انسانی پدید آورده است - به ما انتقال یافته‌اند. در طول تاریخ می‌توان سه دوره تاریخی بزرگ را که به میراث دانش امثال و حکم مربوط است مشخص نمود: (۱) دوره باستان به ویژه چین، یونان و ایران (۲) دوره گسترش کتاب مقدس که با انتشار متون کتب حکمت ادامه یافت. (۳) دوره سلاطه وانی لاتین به عنوان یک زبان میانجی و در نتیجه نیاز به ترجمه متون به زبان بومی هر ملت. پس‌بنی دوره چهارم مشکل نیست، شاید در حال حاضر دوره چهارم در جریان است. رستخیزان جهان شدن مردم، کالا و خدمات، و استفاده از فناوری‌های جدید به سرعت در حال به‌سروى باشد.

انتشار این اثر برای خوانندگان - فارسی‌دان یا بی‌تالی‌دان - فرصت آشنایی با زبان و ثروت امثال و حکمی یکدیگر را فراهم می‌سازد. سلاطه مهمی در روابط دو جانبه ایران و پرتغال است. نویسنده این کتاب - علی اکبر به‌بدیان کاشگری - دانش خود از تاریخ و فرهنگ مردمش را با دانش زیانسناسی ترکیب نمود. با همراه کردن روشی آموزشی، این اثر پژوهشی را غنایی عظیم بخشید.

روی جی بی سوارش،

رئیس انجمن بین‌المللی پارمیولوژی - تحت حمایت سازمان جهانی یونسکو

فهرست مندرجات

صفحات	عنوان
الف - ع	فهرست ضرب‌المثل‌های فارسی
۱ ~ ۱۰	مقدمه
۱۱ ~ ۳۱۴	ضرب‌المثل‌های فارسی - پرتهالی
۳۱۷ ~ ۳۲۴	منابع فارسی
۳۲۵ ~ ۳۲۹	منابع غیر فارسی

مقدمه

باورهای مردمی مجموعه‌ای از میانی رفتاری توده‌های مردم هستند که پیچیدگی و ابهام نداشته و عموماً راهنمایی‌هایی برای تبیین باورها تلقی می‌شوند که به ساده‌ترین شکل بیان شده و به صورت کلی امثال و حکم نامیده می‌شوند. خصلت ذاتی ادبیات عامه موجب می‌شود که امثال و حکم به دلیل انطباق با دریافت عمومی به ادبیات نفوذ کرده و رایج شوند، در غالب اوقات مبدع و منشأ امثال و حکم از حوزه توجه خارج شده اما اصل مطلب در اذهان باقی مانده و حداقل به صورت انشادی به زندگی خود در ادبیات عامه ادامه داده است. فرهیختگان جامعه پارسی‌گوی نیز به مدد صنایع مختلف نثر مسجع و نظم، سیاهه طولایی از حکمت‌های تجربی توده‌ها را در قالب جملات اندرزی^۱، تشبیهات^۲، اصطلاحات و عبارات کنایی^۳، و گونه‌های دیگر همانند تلمیحات به پیکره ادبیات عمومی زبان فارسی افزوده‌اند.

امثال و حکم

من این مثل که بگفتم ترا نکو منلی ست

مثل بسنده بود هوشیار مردان را (ناصرخسرو)

امثال و حکم یکی از راجع و ارکان معتبر ادبیات هر زبان و یکی از کهن‌ترین اشکال ادبی است. عبارات کوتاه امثال و حکم در حیطه فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی توده‌ها به شمار رفته و حکایت از تجارب تاریخی مردم دارند و در هر قالبی اعم از هزل و طنز و انتقاد واقعیات رفتار اجتماعی، شیوه زیست و عقاید و رسوم سخنوران محدوده زبانی را بیان نموده و کاربرد زبان را از به کار بستن تعابیر طولیل و احتجاجات نارسا و فرسایشی رهنده و سخن سخت را به پیامی فصیح بدل می‌نمایند. امثال، جمع مثل و مثل در زبان عربی به معانی هم‌تا و مانند، برهان و دلیل، حلق، سخن، و پند و عبرت به کار رفته است (تاج‌العروس، ذیل مثل). مثل‌ها ریشه در حکایات کهن دارند و در قالب‌های متفاوتی به کار می‌روند. گذشتگان فارسی‌زبان مثل را یکی از اقسام بهجت^۴ چهارگانه ادب می‌شمردند و با استفاده از صنایع گوناگون، ارسال مثل را در ادبیات به کار بسته و با استفاده از ارسال مثل و مطالب حکیمانه به آرایش کلام و تقویت بنیه سخن پرداخته و بر مدعای سخن شاهی می‌آوردند^۵. ابوعبید قاسم بن سلام، در سده سوم قمری، مثل

^۱ اندازه نگهدار که اندازه نکوست

^۲ مثل طبل تهی

^۳ رفت ابروش را درست کند چشمش را کور کرد

^۴ «گاه باشد که آوردن یک مثل در نظم و نثر یا خطابه و سخنرانی اثرش در بروراندن مقصود و جلب

را همان سخنان پندآمیز اعراب عصر جاهلیت دانسته که مقصود را به واسطه کنایه ادا می‌کرده‌اند. وی ضرب‌المثل را دارای سه ویژگی اختصار لفظ، صحت معنی و حسن تشبیه می‌داند (سیوطی، المزهرة، ۴۸۶/۱). بهمنیار معنی اصطلاحی مثل را اینگونه تعریف کرده است: جمله یا ترکیبی است مختصر و مفید، مشتمل بر تشبیه یا مضمونی حکیمانه که به سبب روانی لفظ، روشنی معنی و لطف ترکیب، قبول عام یافته است و همگان آن را بدون تغییر یا با اندک تغییری در موارد مشابه به‌کار می‌برند (بهمنیار، ۵۲). حکم، جمع حکمت، در زبان عربی به معانی کلام سازگار با حقیقت، کار صحیح، عدالت، علم و بردباری به کار رفته است (تاج‌العروس، ذیل حکم)، حکمت مجموعه رفتارهای اخلاقی و فنی‌نگی توده‌هاست و از خرد جمعی آنها سرچشمه می‌گیرد.

تاریخچه اهل و حکم

در زبان فارسی صناعت صناعت نجوم، صنعتی مقوم و ریشه‌دار است، در مقدمه ابن خلدون می‌خوانیم: «و من العرب الواقع ان حملة العلم في الملة الاسلاميه اكثرهم العجم ... فکان صاحب صناعت النحو سید الفسی من بعده والزجاج من بعدهما و کلهم عجم فی انسابهم ... و لم یقم بحفظ العلم و تدوین الا اهل اجم و ظهر مصداق قوله صلی‌الله علیه و سلم لو تعلق العلم باکناف السماء لنا له قوم من اهل دارس». ممکن است برخی این خرده را بگیرند که منظور عبدالرحمن بن خلدون از عجم، جاهل‌های غیر عرب است، اما نه تنها ابن خلدون به صناعت نحو سیوییه اشاره دارد بلکه این ... به امروزه از واژه عجم مستفاد می‌شود در عصر ابن خلدون (سده هشتم قمری) رایج نبوده است: «عجم، مطلق در زبان عربی ایرانیان بودند، چون زودتر از هر بیگانه‌ای با ایرانیها شناخته شدند. سپس که اقوام بیگانه را دیدند آنها را هم عجم می‌گفتند»^۵. داستان‌های کوتاه و سوره منظوم در زبان فارسی پیشینه دیرینی دارند و یکی از شگفتی‌های ادب فارسی، آفرینش سخن ظریف در کمال ایجاز است که از عصر رودکی تا روزگار معاصر با بهره‌گیری از مایه‌های متنوع زبان فارسی و به کمک ذوق فارسی‌سرایان در دفتر بی‌بدیل ادب فارسی گستر بسته است. برخی از این حکایات در قالب ضرب‌المثل به زبان‌های دیگر وارد شدند، فیلسوف مستشرق سده نوزدهم میلادی، رالف امرسون (*R. W. Emerson*) در پیشگفتار ترجمه^۶ گلستان سعدی نوشته است: «متشابه‌های از قصه‌ها و ضرب‌المثلهایی که در افواه ما

توجه خواننده و شنونده بیش از چندین بیت منظوم و چند صفحه مقاله و رساله باشد» (همایی، ۱۳۶۷).

^۵ زیدان، جرجی: تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۹.

^۶ برخی از ایران‌شناسان مانند آربری *A. J. Arberry* این ترجمه را مغشوش می‌دانند. آربری در اثر خود *Classical Persian Literature* نقد جامعی بر این ترجمه انگلیسی ارائه نموده است.

مردم (غرب) است و آن را به نویسندگان جدید نسبت می‌دهیم. از سعدی به ما رسیده است.^۶

توجه به تزیین کلام از دیر باز مورد عنایت ادیبان فارسی‌زبان بوده است و این فرهیختگان ارجمند آثار ارزشمندی با رعایت مراتب فصاحت و بلاغت آفریده‌اند. "ایرانیان از زمان قدیم، عنایتی به تزیین ظواهر کلام داشته‌اند و در مکاتیب و رسائل دیوانی و غیر دیوانی اسلوب فنی و سبک صناعی به کار می‌بردند و نثر را به اقوال حکما و مواعظ اخلاقی و دینی و اشعار و معنیات لطیفه موشح می‌ساختند و آن را به صورت قطعات ادبی، در کمال ظرافت و جمال درمی‌آوردند. در ترکیب کلمات و کیفیت تعبیرات، تناسب بین متکلم و مخاطب و کاتب و مکتوب اله و سایر دقائق فنی را رعایت می‌کردند. در رسائل و مکاتیبی که بین عمال دولت و ملوک ساسانی و ملوک اعراف مبادله می‌شد و نیز کتب ادبی زبان پهلوی و خطبه‌هایی که پادشاهان هنگام بر تخت نشستن بیان می‌کردند میل به صنایع و محاسن لفظی و زیبایی کلام دیده می‌شود و این سبک در رسائل، بیش از خطب مراعات می‌شده است."^۷ با توجه به ریشه‌دار بودن سبک نثر و سابقه دیرینه به کار بستن ضرب‌المثل در زبان فارسی، ادیبان ایرانی از سده ششم قمری به گردآوری امثال روی آوردند. رشیدالدین و طواط نخستین ادیب ایرانی است که به این کار همت گماشت و به درخواست قطب‌الدین محمد خوارزمشاه به تألیف کتاب "طایف‌الامثال و طرایف‌الاقوال" پرداخت. اما از آنجا که رشید و طواط علم امثال را از علوم عربی دانست، مجموعه‌ای از مثل‌های عربی را گرد آورد و به فارسی ترجمه کرد و سپس حکایت‌های فارسی مربوط به آن مثل‌ها را به آنها افزود. کتاب بعدی، "قره‌العین" یا "قره‌العیون" است که از مؤلفی ناشناس در نیمه دوم سده ششم و اوایل سده هفتم قمری نوشته شده است. این کتاب نیز به ترتیب الفبایی حروف اول مثل‌ها تنظیم شده و دارای مقدمه و متن اصلی، شامل ۴۰ قسم و هر قسم در چند فصل و خاتمه است. قسم اول این کتاب از جهت اشتغال به مثل‌های کهن و به کارگیری نثر شیوای فارسی، از مهم‌ترین منابع به شمار می‌رود.

در سده یازدهم قمری، محمدعلی هبله‌رودی در سال ۱۰۴۹ ق. در حیدرآباد هندوستان به تألیف کتاب مجمع‌الامثال به ترتیب حروف الفبایی و مشتمل بر دو هزار مثل فارسی پرداخت. هبله‌رودی در سال ۱۰۵۴ ق. کتاب دیگری نیز به نام جامع‌التمثیل یا مجمع‌التماثل را به ترتیب حروف تهجی تألیف نمود. همزمان با هبله‌رودی، فارسی‌زبان

^۶ خطیبی (۱۳۴۷).

دیگری در هندوستان به نام محمدصادق پسر محمدصالح صادقی اصفهانی فصل هشتادم از باب سوم دانشنامه بزرگ خود به نام شاهد صادق را به مثل‌های فارسی اختصاص داد و حدود ۵۶۰ مثل فارسی را به ترتیب حروف تهجی گرد آورد. میرک محمد تاشکندی نقشبندی بغدادی نیز در سده یازدهم قمری مجموعه نوادرالامثال که مجموعه‌ای از مثل‌های فارسی با ترجمه ترکی است را به ترتیب حروف تهجی گردآوری نمود. کتاب "امثال" یا "مجمع‌الامثال" اثر میرزا محمد ظاهر مشتمل بر ۱۲۰۰ مثل و ترکیب و مصراع، اثر دیگر مربوط به سده یازدهم قمری است.

در سده دوازدهم قمری کتاب "مجمع‌الامثال" اثر ابراهیم خالص بوزروفجه‌ای رومی است که مجموعه‌ای از ضرب‌المثل‌های فارسی و ترکی است. قدیمی‌ترین اثر دوران اخیر، کتاب "امثال" تألیف نویسنده‌ای ناشناس در عصر قاجار است، این کتاب شامل مثل‌های فارسی به ترتیب حروف الفباست و نخستین مجموعه‌ای است که مؤلف آن به گردآوری جمله‌های عامیه توجه نشان داده است. در سده چهاردهم قمری نیز کتابی مشتمل بر ۵۰۰۰ ضرب‌المثل موسی‌علی‌کبر فرزند علی، نواده قائم‌مقام فراهانی تألیف شد. پس از وی، امیرقلی امینی ۱۰۰۱ سخن را در سال ۱۳۰۳ شمسی در برلین به چاپ رساند و پس از تکمیل آن در سال ۱۰۰۲ شمسی در اصفهان در دو مجلد به زیور طبع آراست. یکی از مهم‌ترین آثار اخیر در زمینه جمع‌آوری امثال و حکم، مجموعه چهار جلدی امثال و حکم دهخدا شامل ضرب‌المثل‌های فارسی و ضرب‌المثل‌های رایج میان فارسی‌زبانان است که در سال ۱۳۱۱ شمسی در تهران به چاپ رسید. عبارت "امثال و حکم" همت و یایمردی این را دمرد گرانقدر ادبیات فارسی را در ذهن متبادر می‌سازد و ترجمندی فارسی‌زبانان در گرامیداشت خادمان علم و فرهنگ را یادآور می‌شود. جامعیت مجموعه چهار جلدی امثال و حکم برخی از ضرب‌المثل‌ها را احیاء نمود. این مجموعه غنی دارای حدود ۳۰ هزار عنوان مثلی، حکمی، زبانزدی، اصطلاح و کنایه‌ای است و افزون بر آن، ذیل بسیاری از عنوان‌ها نزدیک به ۱۰ هزار مثل حکمت، اصطلاح و کنایه، و نیز حدود ۱۲ هزار مورد مستند به شعر شاعران و یا نوشته نویسندگان مختلف آمده است. روش کیفی علامه دهخدا در تجمیع تشبیهات عادی و سائره به سبک صاحب جامع‌الامثال^۸ و شیوه صاحب جامع‌التمثیل^۹ و همچنین بهره‌برداری از روش دبیری ابوالفضل بیهقی در توضیح برخی امثله، یایمردی علامه را به سبک‌های

^۸ ابوالفضل احمدبن محمد نیشابوری

^۹ محمدعلی هبله‌رودی

موجود در تاریخ ادبیات فارسی روشن می‌سازد. مطالب این اثر سترگ، دستمایه پایه‌ای و تراز اصلی در تدوین این کتاب در مطالعه قیاسی و انطباق با ضرب‌المثل‌های پرتغالی است. فریدون بهمنیار دیگر ادیب فارسی‌زبان است که مجموعه‌ای از وی مشتمل بر ۶۰۴۷ مثل در سال ۱۳۶۱ شمسی تحت عنوان "داستان‌نامه بهمنیاری" به چاپ رسید. احمد شاملو از شعرای معاصر دیگر ادیب فارسی‌زبان است که در زمینه جمع‌آوری ضرب‌المثل اقدام نمود و از سال ۱۳۵۷ شمسی چاپ مجموعه وزین کتاب کوچه را آغاز کرد. امثال در کتاب کوچه، از دیدگاه فرهنگ عامه و بر اساس مدخل‌های نظم الفبایی خاستگاه‌ها و واژه‌های محوری تنظیم شده و در ۱۱ گروه کلی طبقه‌بندی گردیده است. ریشه‌های تاریخی امثال و حکم نیز اثر مهمی از مهدی پرتوی‌املی است که به توضیح ریشه‌های برخی از ضرب‌المثل‌ها پرداخته است.

در مجموعه حاضر کوشش شده است که ضمن استفاده از متون معاصر به گنجینه گرانبهای مژن ادبیات فارسی توجه بیشتری شود، متون کهنی که در رعایت سادگی زبان، سبکی سخن، انسجام کلام و بیان اندیشه نمونه‌ای عالی شیوایی و بلاغت می‌باشند. آثار سرایان کهن که تشبیهات آن، مملو از واژه‌های سنجیده و خوش‌آهنگ، تشبیهات زیبا و دلآویز، استعارات دقیق و موزون، استعارات لطیف و دل‌انگیز، کنایات به‌جا و استوار، توصیفات بدیع و خلاقانه و اشارات نغز و دلنشین و آرایه‌های لطیف و روح‌افزاست. پر واضح است که ادبیات فارسی یادگارهای پر ارجی برای فارسی‌زبانان و برای همه بشریت به میراث نهاده است. گر بنا بود که از هر یک از این یادگارها سطری نقل شود چند برابر این مجموعه فراهم می‌شد. البته نمونه‌های انتخاب شده به مثابه مشتبی از خروار است بدیهی است که شاید بتوان نمونه‌های بهتری انتخاب کرد ولی مسلم است که هر انتخابی که به عمل می‌آمد ناگزیر باید از نمونه‌های دیگر صرف‌نظر می‌شد. در انتخاب تمثیلات و قطعات، سعی شده بر معیار سادگی و سادگی و شیوایی انتخاب شوند که همواری و تناسب بین ضرب‌المثل و ارسال‌مثل را آنها رعایت شده و از حیث نگارش به الزامات ادبی توجه داشته باشند. نکته دیگر آنکه هر یک از کوشش شده تا از نقل نابایست نوشته‌ها دوری شود و به اصطلاح ادبا از اطناب اجتناب شود اما هر جا که تمثیل مترادفی در آثار دیگر به کار رفته، سعی شده به لحاظ رعایت امانت و همچنین امکان قیاس سبک‌های مختلف، نقل شوند. این شیوه خوانندگان را به مقایسه آثار نیز بر می‌انگیزاند. و اما درباره شعر، همگان اذعان دارند که گرایش فطری فارسی‌زبانان به شعر و بهره بردن از زبان شعر به لحاظ ایجاز و اختصار در کلام و تفهیم معانی بلند و جامع‌الاطراف بودن دارای ریشه عمیقی است و اشعار فارسی از این طریق

به ضرب‌المثل‌های فارسی راه یافته و قریب به اتفاق شعرای پارسی‌گوی در آثار ارزشمندشان از ضرب‌المثل استفاده نموده‌اند، اما با توجه به استدلال‌های تمثیلی به‌کار رفته در غالب اشعار و آموزه‌های اخلاقی و عرفانی حضرت مولانا، مولف گرایش بیشتری به استفاده از آثار این بزرگوار داشته است. پر واضح است که با توجه به ارسال‌مثل‌های به‌کار رفته در دفاتر ششگانه مثنوی مولوی، برخی تمثیلات از فراموشی تاریخی رهایی یافته و میراث گرانبهایی برای فارسی‌زبانان رقم خورده است. بهره‌مندی حضرت مولانا از روش‌های نظیر استفاده از ضرب‌المثل، گواهی است بر اینکه نه تنها قوه عاقله مخاطبین مورد توجه ایشان قرار داشته بلکه عواطف و احساسات آنها نیز مورد نظر قرار داشته است، لذا راقع مخاطبان جهد بلیغ ورزیده و این کوشش قرین به توفیق ایشان در انتقال موضوع به مخاطبان در به‌کارگیری ضرب‌المثل در مثنوی مولوی مشهود است.

نردبان آسمانست این کلام

هر که زین بر می‌رود آید به‌بام

... پرتغال کشور در جنوب غربی اروپا، غربی‌ترین کشور سرزمین اروپاست و به همراه تنها همسایه‌اش اسپانیا که از مشرق و شمال به آن محدود است، شبه‌جزیره ایبری را در پایین‌ترین بخش جنوب غربی اروپا تشکیل می‌دهد. این سرزمین را می‌توان دنباله فلات مرتفع مرکزی اسپانیا دانست که هرچه به طرف دریا پیش می‌رود از ارتفاع آن کاسته می‌گردد، سواحل غربی و جنوبی به مال را اقیانوس اطلس فرا گرفته است. دو مجمع‌الجزایر آزور و مادیرا واقع در اقیانوس اطلس که در جنوب غرب پرتغال قرار دارند نیز جزء سرزمین پرتغال محسوب می‌شوند. پرتغال دو منطقه کلان‌شهری عمده دارد که یکی کلان‌شهر لیسبون در جنوب و دیگری کلان‌شهر ورتو در شمال است. نام کامل پورتو، پورتو-کاله به معنی بندر کال‌ها بوده است و نام کشور پرتغال نیز در واژه پورتو کاله ریشه دارد. کال‌ها یکی از اقوام سلتی بودند که مانند سایر اقوام سلتی نظیر گالاسی‌ها و لوسیثانی‌ها از دوران باستان در این سرزمین سکونت داشتند. این سرزمین بعدها بخشی از امپراتوری روم شد و سپس قبایل مختلف ژرمن نیز راهی این سرزمین شدند. پرتغال از سده هشتم میلادی در دوره کوتاهی به تصرف اعراب مسلمان درآمد. قلمرو اقیانوسی سرزمین پرتغال و وجود آب‌های متلاطم خلیج بیسکای و ورودیه مانش، ساکنان سرزمین پرتغال را به دریانوردان مجربی بدل نموده بود. دانش دریایی دریانوردان پرتغالی قرون متمادی آنها را به رقابت در مقابل دریانوردان ایبری و همچنین دریانوردانی که از بخش‌های شمالی‌تر برای کشف سرزمین‌های جدید گسیل می‌شدند، ترغیب می‌نمود. دریانوران پرتغالی از اواخر قرن چهاردهم میلادی و اوایل

قرن پانزدهم میلادی کنجکاوانه دریاها را می‌پویندند، آنها در قرن‌های شانزدهم و هفدهم میلادی راه‌های دریایی گوناگونی را کشف کرده و راه‌های دستیابی به آنها را بر روی نقشه‌های دریایی ثبت کردند. بعدها این راه‌ها و گذرگاه‌های دریایی سنگ بنای امپراتوری عظیم مستعمرات پرتغال را بنیان نهاد. دریانورد هانری به‌جای پرداختن به زندگی اشرافی، در اوایل قرن پانزدهم میلادی گروهی از اخترشناسان و ریاضیدانان را با خود راهی دریاها نمود تا به پژوهش بپردازند. کوشش‌های آنها منجر به عبور دریانوردان پرتغالی از دماغه بوزادور در سواحل آفریقا شد قدرت پرتغال را تقویت نمود. در اواخر همین قرن که در تاریخ پرتغال به‌عصر زرین^{۱۰} مشهور است دارد، بارتولومئو دیاز تا دماغه امید نیک در جنوبی‌ترین نقطه قاره آفریقا پیش راند. پس از وی، واسکو دوگاما راه‌های دریایی هند و شرق را یافت و برای استیلا بر اقیانوس هند با ترسیم شبکه راه‌های دریایی پایگاه‌هایی در ایران، هند، و شرق آفریقا تاسیس شد. در سال ۱۴۹۸م. واسکاد گاما از مسیر جنوب و شرق آفریقا با کمک یک راهنمای ایرانی تبار از بندر موسی بیگ^{۱۱} به سوی هند روانه شد و گزارش مفصلی از اهمیت پارس و هند به دربار پرتغال فرستاد. در سال ۱۵۰۰م. اولین استعمارگرانی بودند که از غرب اروپا به خلیج فارس وارد شدند. پرو دی کوویل^{۱۲} در سال احتمالی ۱۴۹۸م. از هرمز گزارشی فرستاد و آلبوکرک در سال ۱۵۰۷م. هرمز را اشغال کرد. پرتغالی‌ها از سال ۱۵۰۷ تا ۱۶۲۲م. در خلیج فارس به تجارت مشغول شدند اما به‌تدریج بر جمعیت و حوزه فعالیتشان افزودند و به تاسیس استحکامات نظامی در خلیج فارس مبادرت نمودند. پرتغالی‌ها در سال ۱۵۱۵م. نظر موافق شاه عباس صفوی را برای دریافت اختیار گرفتن هرمز کسب کردند و در سال ۱۵۲۳م. در قرارداد میناب به این توافق رسماً دست بخشیدند. بر طبق این معاهده باید بحرین و قطیف سواحل شمالی عربستان را اختیار ایران قرار می‌گرفت. در سال ۱۵۲۱م. به‌دلیل اختلافات آل جابر حاکم بحرین با حاکم هرمز، بحرین به تصرف پرتغال درآمد اما صفویان آنها را از بحرین بیرون راندند. بررسی حضور پرتغالی‌ها در ایران نیاز به مطالعه تاریخ همزمان حکومت‌های استعماری پرتغال و انگلستان دارد؛ چرا که رقابت‌های پرتغال، هلند و انگلستان برای سلطه بر اقیانوس هند و

^{۱۰} در شمال موزامبیک

^{۱۱} عصر زرین با تسخیر پرتغال توسط اسپانیا رو به افول نهاد، این سلطه ۶۰ سال ادامه یافت. پرتغالی‌ها در ۱۶۴۰م. استقلال خود را بازافتند و تلاش‌های گسترده‌ای را برای تجدید سیادت دریایی، که در مدت تسلط اسپانیایی‌ها تا حدی به دست انگلیسی‌ها و هلندی‌ها افتاده بود، به‌عمل آوردند. در همین دوره، پرتغال سرزمین برزیل را کشف کرد.

دستیابی آسان‌تر به منابع جزایر ملوک و ادویه در سواحل شرقی اقیانوس هند و استیلا بر روابط تجاری آفریقا و آسیا، تاریخ کشورهای حوزه اقیانوس هند از جمله ایران را دستخوش حوادث تاریخی ساخته است. حتی بیرون راندن پرتغالی‌ها که در تاریخ عالم-آرای عباسی به آن اشاره شده^{۱۲} نیز تحت تأثیر رقابت‌های استعماری سه کشور پرتغال، هلند و انگلستان قرار داشته است، بدون کمک نیروی دریایی انگلستان به ارتش امام قلی خان امیرالامرای فارس و سردار سپاهیان صفوی، اخراج پرتغالی‌ها توسط صفویان امر پیچیده‌ای به نظر می‌رسد؛ بررسی این موضوع از حوصله این مقدمه خارج است.

در آغاز سده نوزدهم آتش جنگ سراسر اروپا را فراگرفت و سرزمین پرتغال نیز از آسیب‌های جنگ در امان نماند. نیروهای ناپلئون بناپارت در سال ۱۸۰۷م. لیسبون را اشغال کردند و پرتغال پایتختش را به برزیل انتقال داد. دولت پرتغال پس از شکست ناپلئون، به لیسبون بازگشت. پرتغال پس از یک انقلاب خونین در سال ۱۹۱۰م. که منجر به سرنگ کردن رژیم استبدادی آن کشور شد به جمهوری تبدیل شد اما جمهوریت پرتغال در سال ۱۹۲۶م. توسط نظامیان بی‌ثبات شد. در ۱۹۳۲م. ژنرال آنتونیو اولیویرا سالازار با اعلام از انحصار سیم ایتالیا، حکومت دیکتاتوری در پرتغال تأسیس نمود که مانند دیکتاتوری فرانسو در اسپانیا با اتکای به ارتش و اقتدار اخلاقی کلیسا با سرکوبی جنبش‌های ملی همراه بود. آمریکا قدرت‌های اروپایی از بیم نفوذ کمونیسم در ایبری همواره از سالازار و فرانکو پرسش و اچانیا حمایت کردند. در دهه ۱۹۶۰م. به

^{۱۲} "از فتوحات که درین سنه مبارکه مطابق احدی و ثلثین الیه (۱۰۱۱ قمری) به نیروی اقبال قرین حال اولیا دولت بی‌زوال گردید، فتح و تسخیر بلده هرموز است که سیامقلی خان امیرالامرا فارس بوقوع پیوست... و در سال گذشته اشعاری شد (آن پیروزی به شعر درج گردید) که بنابر ظهور بی ادبی‌های فرنگیه پرتکالیه مقیم آنجا... امیرالامرا مذکور لشکر بتادیب ایشان فرستاد... خود نیز متعاقب رفت... در این وقت که فرنگیه بای از دایره ادب بیرون نهاده به اموری که بتسریر پیوست اقدام نمودند... جماعت انگلیسی را اخبار نموده ایشان نیز بر حسب وعده آماده خدمت شدند... قصه امام قلی خان شجاعت شعار با جنود قاهره فارس متوجه آن صوب گشته خود در بندر گمبرو که البتّه به بندر عباسی موسوم است اقامت کردند و افواج قاهره از دریا با کشتی‌ها و سفاین عبور نموده داخل جزیره هرمز شدند... القصه بعد از دو ماه و چند روز امتداد ایام محاصره و جنگ و جدال به نیروی دولت و اقبال که همواره قرین حال این دودمان والاست، قلعه رفیع بنیان هرموز که در مراتب و حصانت شهره جهان و از کارنامه‌های نادره فرنگیان است، مسخر اولیای دولت ابد پیوند گردید... چون خبر فتح هرموز رسید، جناب خانی مورد تحسین و آفرین شاه و سپاه گردید و آن خبر بهجت اثر بر مبارزان قلعه گشای رکاب همایون مبارک و میمون آمده در همان روز قلعه قندهار نیز بتوفیق کردگار مفتوح گشت... از هر طرف که چشم گشایی نشان فتح... وز هر طرف که گوش نهی مژده طفر" (تاریخ عالم‌آرای عباسی و خامه اسکندربیک ترکمان، در صفحه ۹۷۹).

دنبال استقلال برخی مستعمرات که پیش از آن مستعمره سایر قدرت‌های استعماری بودند پرتغال بخش‌های استعماری را جدایی‌ناپذیر اعلام کرد و بسیاری از این مناطق برای کسب استقلال مبارزه کردند. این مبارزات در سال ۱۹۷۴م. به سقوط دیکتاتوری در پرتغال و کودتای چپگرایان مشهور به انقلاب میخک‌ها منجر شد. در نتیجه این حوادث، مستعمرات پرتغال (به جز ماکائو) در سال ۱۹۷۵م. به استقلال دست یافتند.

از نظر زبانی، پرتغال کشوری یک‌دست است و زبان پرتغالی در کل کشور رایج است، تنها در روستاهای پیرامون میراندا دو دورو گویشی از زبان آستوری به نام گویش میراندی سخنور دارد که آن هم از گویش‌های زبان‌های رومی‌تبار است، این گویش در پرتغال به عنوان یک زبان اقلیت رسمیت دارد. زبان پرتغالی ششمین زبان پراستفاده جهان است و در چهار قاره جهان سخنور دارد نیز زبانی رومی‌تبار است و از طریق رومی ایبری به نیای رومی غربی می‌رسد. زبان پرتغالی از زبان گالیسیایی-پرتغالی توسعه یافته و در قرن‌های وسطی در پادشاهی گالیسیا به این زبان صحبت می‌شده است. زبان پرتغالی ابتدا در شمال غربی اسپانیا و شمال پرتغال به وجود آمد و بعدها گسترش یافت. پرتغالی در میان خانواده زبان‌های رومی‌تبار بیش از همه دارای واژه‌های هم‌ریشه با زبان عربی است، همانگونه که مانند دیگر زبان‌های اروپایی، واژه‌های بسیاری با ریشه لاتین و یونانی در پرتغالی یافت می‌شوند. آن پرتغالی با لهجه‌ها و گویش‌های متفاوت در پرتغال، گالیسیا، برزیل، موزامبیک، مادیوا، موزامبیک، تیمور شرقی و سرزمین آنگولا، سائوتومه و پرنسپ، کیپ‌ورد، کابو و بيسائو و موزامبیک، تیمور شرقی و سرزمین ماکائو در جنوب چین سخنور دارد. سخنی از ساکنان برزیل به زبان پرتغالی که یکی از مهم‌ترین بخش‌های هویت ملی برزیل است به دلیل پرتغالی موثر بوده است. پرتغالی رایج در برزیل ضمن تاثیر از زبان بومیان برزیل و همچنین مهاجران آفریقایی‌تبار، به صورت مستقل از زبان مادر تحول یافته و در مقایسه با زبانی رایج در پرتغال، دچار تغییرات آوایی کمتری شده است، گفته می‌شود زبان کاموهای پرتغال قرن شانزدهم میلادی بیشتر شبیه به پرتغالی امروز برزیل است. در کنار زبان پرتغالی، زبان‌های بومی به‌خصوص در مناطق شمالی سخنور دارند. برخی از زبان‌های غیر پرتغالی برزیل، در زبان‌های آلمانی، ایتالیایی، و ژاپنی ریشه دارند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از گویش‌های شبه‌آلمانی نظیر پامرانین، ریوگرنندسر، هانشروکیش؛ گویش شبه‌ونیزی تالیان؛ و گویشی شبه‌ژاپنی در منطقه لیبرداد که در شهر سائوپائولو با آن روبرو شدم.

پژوهش‌های پارامیولوژیک مطالعه ترادف، توازی، وزن، حذف، مبالغه و ... در ضرب‌المثل‌ها و در بعضی زبان‌ها تکرار آوایی یا سایر ویژگی‌های زبانی ضرب‌المثل‌هاست. امروزه پژوهش‌های پارامیولوژیک حتی به عرصه علوم شناختی، شناخت ادیان، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، پژوهش‌های قومی و سایر مطالعات انسان‌شناختی وارد شده‌اند. هرچند بسیاری از اندیشمندان این حوزه معتقدند امثال و حکم تبارهای مختلف دارای ارزش‌های قوم‌شناختی منحصر به فرد است اما به اعتقاد والتر گروبرگ و بعضی دیگر از پارامیولوژیست‌ها، بسیاری از امثال و حکم دارای ویژگی‌های همگنی هستند و مطالعه قیاسی آنها کمک شایانی برای آشنایی با ارزش‌های نژادی اقوام مختلف است. به نظر می‌رسد بسیاری از ضرب‌المثل‌های مشترک بین زبان‌های فارسی و پرتغال از جمله ضرب‌المثل‌هایی هستند که زبان فارسی با زبان‌هایی که بر زبان پرتغالی نیز گذاشته‌اند در آن ضرب‌المثل‌ها اشتراک دارد. امثال و حکم این کتاب که از نوع پژوهش‌های پارامیولوژیک قیاسی شناخته می‌شود بدون توجه به لهجه‌ها و گویش‌های متفاوت پرتغال، در قیاس با ضرب‌المثل‌های مجموعه امثال و حکم علامه دهخدا^{۱۳} قرار گرفته‌اند که نشان داده هر جا مطلبی از یک اثر گزیده شده نام پدیدآورنده ذکر شود و در نقر برخی مصاب اندک تصرفی به عمل آمده است.

علی اکبر عابدیان کاسگری

پرتغال - آبان ۱۳۹۵

^{۱۳} در مجموعه امثال و حکم علی اکبر دهخدا امثال، ضرب‌المثل‌ها، اصطلاحات، کنایات، استعارات، کلمات قصار، حکم، و بندها از نظم و نثر به رشته تحریر درآمده‌اند. این مجموعه در سال ۱۳۱۱ شمسی شامل نزدیک به ۵۰ هزار امثال و حکم و کلمات قصار و ابیات متفرقه منتشر شده است. بیشتر مجموعه را ضرب‌المثل‌های ادیبانه، کلمات قصار و اشعار و بخش کمی را ضرب‌المثل‌های عامیانه تشکیل می‌دهند. به نظر می‌رسد شرایط جمع‌آوری امثال و حکم به گونه‌ای بود که علامه دهخدا نتوانست به رواج آنها بین عامه توجه زیادی داشته باشد. منابعی که در تنظیم مجموعه مورد استفاده قرار گرفته‌اند: ۱۰۰۰ ضرب‌المثل از امثال میدان‌سده پنجم قمری، ۱۰۰ ضرب‌المثل از مجموعه مختصر امثال، نزدیک به ۳۰۰ مثل از جامع التتمیل سده یازدهم قمری، چند مثال از کتاب هندی شاهد صادقی، ۴۵۰۰ بیت از شاعران کلاسیک (از جمله ۵۰۰ بیت از فردوسی، ۴۰۰۰ بیت از سعدی، ۲۵۰۰ بیت از مولوی، و ۲۵۰۰ بیت از نظامی و اسدی طوسی) که بیش‌تر ابیات، شکل‌های گوناگون یک ضرب‌المثل است که هر شاعری به سلیقه خود و با بیانی خاص به نظم در آورده است.